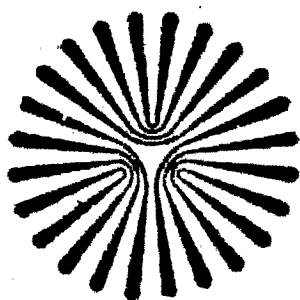




1002.4



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبان انگلیسی

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی	
بخش اسناد	
شماره ثبت	PIR
شماره صدور کتاب	۸۱۷
شماره و تاریخ	۱۸/۷/۸۹

پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته زبان شناسی همگانی

عنوان:

تغییر مقوله از صفت به اسم

در زبان فارسی

مؤلف:

معصومه حاتمی نژاد

استاد راهنما:

دکتر سیدمهدی سمائی

استاد مشاور:

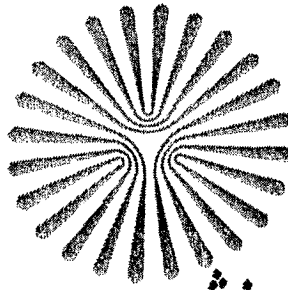
خانم دکتر بلقیس روشن

شهریور ۱۳۸۶

۱۰۵۲۰۹

کتابخانه مرکزی  
شعبه زبان انگلیسی

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱۳



دانشگاه پیام نور  
په

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

تغییر مقوله در زبان فارسی

تاریخ دفاع ۱۳ / ۰۶ / ۸۶

درجه: عال  
نمره: ۱۹۱۵  
نورزاده دهنم

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی

هیات داوران

مرتبه علمی

امضاء

۱- آقای دکتر سید مهدی سمائی استاد راهنما

۲- خانم دکتر بلقیس روشن استادمشاور

۳- خانم دکتر نگار داوری اردکانی استاد داور

۴- خانم دکتر بلقیس روشن نماینده گروه

استاد

استاد

استاد

استاد

ع

ع

ع

ع

تقديم به

مادرم و همسرم

با سپاس فراوان از زحمات و راهنمایی های بی دریغ

اساتید گرامیم،

آقای دکتر سید مهدی سمائی

و خانم دکتر بلقیس روشن

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هـ	چکیده
<b>فصل اول : کلیات تحقیق</b>	
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- بیان مسئله و اهمیت آن
۲	۳-۱- سابقه تحقیق
۳	۴-۱- پرسشهای تحقیق
۳	۵-۱- چهارچوب تحقیق
۳	۱-۵-۱- فرضیه تحقیق
۳	۲-۵-۱- اهداف تحقیق
۳	۳-۵-۱- روش تحقیق
۴	۴-۵-۱- محدوده تحقیق
۴	۵-۵-۱- مفاهیم بنیادی و تعاریف
۵	۶-۵-۱- ساختار پایان نامه
<b>فصل دوم : مروری بر پیشینه ی پژوهش</b>	
۷	۱-۲- مروری بر پیشینه ی پژوهش
<b>فصل سوم : مباحث نظری</b>	
۱۱	۱-۳- صرف
۱۱	۲-۳- تصریف
۱۱	۳-۳- ترکیب
۱۱	۱-۳-۳- اهمیت ترکیب
۱۱	۴-۳- اشتقاق
۱۲	۱-۴-۳- تکواژهای وابسته
۱۲	۲-۴-۳- وندهای اشتقاقی
۱۲	۱-۲-۴-۳- وند زایا
۱۲	۲-۲-۴-۳- وند نیمه زایا
۱۲	۳-۲-۴-۳- وند غیر زایا
۱۲	۴-۲-۴-۳- وند مقوله گذران
۱۲	۵-۲-۴-۳- وند مقوله ناگذران
۱۳	۵-۳- تغییر مقوله (اشتقاق صفر)
۱۳	۱-۵-۳- تغییر مقوله تاریخی
۱۳	۲-۵-۳- تغییر مقوله زایا
۱۵	۳-۵-۳- تغییر مقوله کامل

۱۵ ..... ۳-۵-۴- تغییر مقوله ناقص

۱۵ ..... ۳-۶- جهت تغییر مقوله

### فصل چهارم : تحلیل داده ها

۱۷ ..... ۴-۱- اسم ها و صفت‌های بسیط

۱۹ ..... ۴-۱-۱- جمع بندی

۱۹ ..... ۴-۲- اسم‌ها و صفت‌های مشتق

۱۹ ..... ۴-۲-۱- واژه‌های مشتق با پسوندهای مشابه اما مقوله‌های متفاوت

۳۳ ..... ۴-۲-۲- واژه‌های مشتق با پسوندهای مشابه و مقوله‌های مشابه

۴۰ ..... ۴-۲-۳- جمع بندی

۴۲ ..... ۴-۳- اسمها و صفت‌های مرکب

۴۲ ..... ۴-۱-۳- اسمها و صفت‌های مرکب بن ساختی

۴۲ ..... ۴-۱-۱-۳- اسم‌ها و صفت‌های مرکب بن ساختی با بن فعل مشابه اما مقوله‌های متفاوت

۷۳ ..... ۴-۱-۲- اسم‌ها و صفت‌های مرکب بن ساختی با بن فعل های مشابه و مقوله‌های مشابه

۷۶ ..... ۴-۱-۳- جمع بندی

۷۷ ..... ۴-۲- اسم‌ها و صفت‌های مرکب غیر بن ساختی

۷۷ ..... ۴-۲-۱- فرایندهای ترکیبی اسم و صفت ساز

۷۷ ..... ۴-۲-۲- فرایندهای ترکیبی صفت ساز

۷۸ ..... ۴-۲-۳- فرایندهای ترکیبی اسم ساز

۷۸ ..... ۴-۲-۴- فهرست داده‌ها

۹۲ ..... ۴-۲-۵- جمع بندی

### فصل پنجم : نتیجه گیری

۹۵ ..... ۵-۱- نتیجه گیری

۹۵ ..... ۵-۲- کنترل فرضیه‌های تحقیق

---

۹۷ ..... کتابنامه

۹۹ ..... پیوست

۱۱۸ ..... واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

۱۱۹ ..... واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

۱۲۰ ..... چکیده به انگلیسی

## چکیده

این تحقیق در چهار چوب علم صرف انجام می شود. هدف از صرف مطالعه ساختار درونی کلمات است. کلمات می توانند به سه روش ساخته شوند: تصریف، اشتقاق و ترکیب.

موضوعی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد نوعی فرایند اشتقاقی به نام تغییر مقوله (اشتقاق صفر) است که عبارتست از تغییر مقوله دستوری یک واژه بدون هیچ تغییر صوری، این تبدیل می تواند از هر مقوله ای به هر مقوله دیگر صورت بگیرد: قید به صفت، صفت به قید، فعل به قید، اسم به فعل و صفت به اسم و...

تغییر مقوله از این نظر که فرایندی فعال است یا غیر فعال، به ترتیب به دو دسته: زایا و غیر زایا (تاریخی) [۷]، و از این نظر که واژه بعد از تغییر مقوله تا چه حد ویژگی های مقوله ی جدیدش را داراست (به عنوان مثال اگر صفتی به اسم تبدیل می شود، در مقام اسم تا چه حد به یک اسم واقعی شبیه است)، نیز به دو دسته کامل و ناقص تقسیم می شود [۹].

در این تحقیق چهار گروه کلمه مورد بررسی قرار می گیرند ۱- اسم ها و صفت های بسیط ۲- اسم ها و صفت های مشتق ۳- اسم ها و صفت های مرکب بن ساختی و ۴- اسم ها و صفت های مرکب غیر بن ساختی. صفت های بسیط از نظر ساخت معنایی مورد تحلیل قرار می گیرند و صفت های مشتق و مرکب از نظر ساخت معنایی، صوری و نحوی بررسی می شوند تا در هر گروه میزان تمایل صفتها به تغییر مقوله مشخص شود. در هر گروه اسمهایی نیز وجود دارد که به نظر می رسد از صفت به اسم تغییر مقوله داده باشند، آنها نیز مورد تحلیل قرار می گیرند و با استفاده از معیارهای ارائه شده مقوله اصلی شان تشخیص داده می شود.

این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام می شود و هدف آن پاسخ به سوالات مقابل می باشد: ۱- آیا در زبان فارسی، معیارهای قاطعی برای تشخیص مقوله ی صفت از اسم وجود دارد؟ ۲- آیا همه صفت های فارسی می توانند به اسم تغییر مقوله دهند؟ ۳- صفت های فارسی بیشتر به طور مستقیم تغییر مقوله می دهند یا به طور غیرمستقیم؟ ۴- تغییر مقوله در زبان فارسی بیشتر در گونه رسمی انجام می شود یا گونه ی محاوره ای؟



فصل اول:

کلیات تحقیق

### ۱-۱- مقدمه

این پژوهش در حوزه صرف<sup>۱</sup> انجام می شود، هدف از صرف مطالعه ساختار درونی کلمات است. کلمات می توانند به سه روش ساخته شوند: تصریف، مثل کلمه «گلها» (گل + ها)، اشتقاق، مثل «هدفمند» (هدف + مند) و ترکیب، مثل کلمه «گلخانه» (گل + خانه).

در این تحقیق به نوعی فرایند واژه سازی اشتقاقی به نام تغییر مقوله پرداخته می شود که عبارت است از تغییر مقوله دستوری یک واژه بدون هیچ تغییر صوری<sup>۲</sup>. این تبدیل می تواند از هر مقوله ای به هر مقوله دیگر صورت بگیرد: قید به صفت، صفت به قید، اسم به فعل، فعل به قید، صفت به اسم و...

تغییر مقوله از این نظر که فرایندی مرده است یا فعال به دودسته تغییر مقوله تاریخی (انواعی از تغییر مقوله که دیگر فعال نیستند) و تغییر مقوله زایا (انواعی از تغییر مقوله که هنوز فعالند) تقسیم می شوند، [۷]. این فرایند از این نظر که واژه بعد از تغییر مقوله تاچه حد به مقوله جدیدش نزدیک می شود نیز به دو دسته تقسیم می شود: تغییر مقوله کامل و تغییر مقوله ناقص. تغییر مقوله کامل هنگامی است که واژه می تواند پس از تغییر مقوله وندهای تصریفی مقوله جدیدش را بپذیرد. به عنوان مثال، وقتی صفت «هواپرست» در جمله زیر به اسم تغییر مقوله می دهد و پسوند جمع «ان» نیز می گیرد، تغییر مقوله کامل انجام شده است. (۱-۱) مثال: هواپرستان بی دین به آخرت خود نمی اندیشند.

و تغییر مقوله ناقص هنگامی اتفاق می افتد که یک واژه پس از تغییر مقوله قابلیت پذیرفتن وندهای تصریفی مقوله جدیدش را نداشته باشد.

واژه انگلیسی young در جمله زیر از صفت به اسم تغییر مقوله داده است ولی این واژه در جایگاه اسم هم نمی تواند پسوند جمع «s» را بپذیرد. در واقع واژه young به اسم تغییر مقوله داده است.

The young are more logical than the old. (۲-۱) مثال:

### ۲-۱- بیان مسئله و اهمیت آن

در زمینه تغییر مقوله این مسئله همیشه وجود دارد که چگونه در واژه های دو مقوله ای شکل پایه را از شکل مشتق تشخیص دهیم و یا اینکه چرا از واژه های با پسوند و ساخت صوری و نحوی مشابه، برخی صفت و برخی اسمند، آیا پسوند مذکور یک پسوند صفت ساز است یا اسم ساز. در این تحقیق سعی می کنیم برای حل این مسائل معیارهای قاطعی بیابیم. نتایج این تحقیق می تواند در رفع مشکل تعیین مقوله واقعی برخی کلمات فارسی در فرهنگ نویسی و در حوزه پردازش زبان توسط هوش مصنوعی و نیز برای زبان آموزان بومی و خارجی کاربرد داشته باشد.

### ۳-۱- سابقه تحقیق

در زبان فارسی تنها کاری که درباره ی تغییر مقوله انجام شده، مقاله ی «تغییر مقوله در زبان فارسی» است [۷]. در این مقاله در باره ی انواع تغییر مقوله و تبدیل هایی که از رهگذر آنها انجام می شود بحث شده است. در مورد آثار خارجی نیز باید گفت در بیشتر کتابهای زبانشناسی و تقریباً در همه ی کتابهای صرف به تغییر مقوله اشاره شده است، البته نه منحصرأ به تغییر مقوله از صفت به اسم.

#### ۴-۱- پرسشهای تحقیق

- ۱- آیا در زبان فارسی، معیار قاطعی برای تشخیص مقوله صفت از اسم وجود دارد؟
- ۲- آیا همه صفت‌های فارسی می‌توانند به اسم تغییر مقوله دهند؟
- ۳- صفت‌های فارسی بیشتر به صورت مستقیم تغییر مقوله می‌دهند یا به صورت غیر مستقیم؟
- ۴- تغییر مقوله در زبان فارسی بیشتر در گونه رسمی انجام می‌شود یا گونه محاوره‌ای؟

#### ۵-۱- چارچوب تحقیق

این تحقیق در زمینه تغییر مقوله از صفت به اسم در چهارچوب صرف زبان فارسی انجام می‌شود و تعداد زیادی از صفت‌ها و اسم‌های زبان فارسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

#### ۱-۵-۱- فرضیه‌های تحقیق

۱- دو مقوله صفت و اسم در زبان فارسی خلط می‌شوند و گاه تشخیص آنها از هم برای زبان‌آموزان یا سخنگویان زبان مشکل است.

۲- اغلب صفت‌های فارسی می‌توانند به اسم تغییر مقوله دهند.

۳- برخی صفت‌ها مستقیماً و برخی دیگر در بافت جانشین اسم می‌شوند.

۴- تغییر مقوله بیشتر در زبان محاوره‌ای صورت می‌گیرد.

#### ۱-۵-۲- اهداف تحقیق

هدف از انجام این پژوهش یافتن معیار قاطعی برای تعیین و تشخیص مقوله اصلی برخی اسم‌ها و صفت‌ها در زبان فارسی است.

#### ۱-۵-۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و مراحل انجام آن به صورت زیر بوده است:

- ۱- جمع‌آوری مطالبی درباره فرایند تغییر مقوله و انواع آن، از دایره‌المعارف‌ها و کتب صرف مختلف.
- ۲- استخراج تمامی اسم‌ها و صفت‌ها از نیمه اول فرهنگ معاصر فارسی تألیف غلامحسین صدری افشار (۱۳۸۲) (با فرض بر اینکه تغییر مقوله در زبان فارسی بیشتر از صفت به اسم صورت می‌گیرد). شایان ذکر است که بسیاری از این کلمات محاوره‌ای اند.
- ۳- تقسیم این اسم‌ها و صفت‌ها به چهار گروه بسیط، مرکب بن‌ساختی و مرکب غیر بن‌ساختی.
- ۴- بررسی معنایی، ساختاری و نحوی صفت‌های هر گروه برای تشخیص میزان تمایل آنها به تغییر مقوله به اسم و نیز پیدا کردن ملاکی یا ویژگی مشخصی در صفت‌هایی که به تغییر مقوله به اسم تمایل بیشتری دارند.
- ۵- تقسیم صفت‌ها به دو دسته: الف: صفت‌هایی که به نظر نگارنده می‌توانند در بافت به اسم تغییر مقوله دهند و ب: صفت‌هایی که نه خارج از بافت و نه در بافت به اسم تغییر مقوله نمی‌دهند که تحت عنوان کاملاً صفت در متن ذکر شده‌اند. (دو دسته الف و ب در فرهنگ معاصر فارسی تألیف صدری افشار (۱۳۸۲) فقط صفت هستند و این تقسیم‌بندی طبق تشخیص نگارنده بوده است). در این مرحله لازم بود که واژه‌های گروه «الف» را در بافت موقعیتی قرار دهیم تا مشخص کنیم که این صفت‌ها توسط سخنگویان زبان فارسی و گاهی به عنوان اسم نیز به کار می‌روند، در بسیاری از موارد از حد جمله فراتر رفته و وارد حوزه کلام<sup>۱</sup> شده‌اند و اغلب جملات و کلماتی که به کار رفته‌اند به گونه محاوره‌ای هستند.

بعد از تمام این مراحل آمارگیری انجام شده و اعداد و ارقام به صورت درصد نیز ذکر شده‌اند.

در گروه اسم‌ها و صفت‌های بسیط که در شماره ۳ ذکر شدند، اسم‌ها، دو مقوله‌ای‌ها و صفت‌ها را در گروه‌های جداگانه‌ای قرار دادیم سپس صفت‌ها به دو گروه: صفت‌هایی که می‌توانند در بافت تغییر مقوله دهند و صفت‌هایی که اصلاً تغییر مقوله نمی‌دهند (کاملاً صفت) تقسیم کردیم و تعدادی از صفت‌ها که می‌توانستند در بافت تغییر مقوله دهند را در بافت قرار داده و به عنوان نمونه در متن

ذکر کردیم. در آخر نیز روی طیفی تمایل صفت‌های بسیط را به تغییر مقوله به اسم نشان داده و آمار همه این داده‌ها را روی یک نمودار مشخص کردیم.

در مورد واژه‌های مشتق چون در هنگام استخراج آنها از فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۲) به واژه‌هایی برخوردیم که پسوندهای مشابه داشتند ولی بعضی صفت و بعضی اسم بودند. مثلاً «علاقمند» (صفت) و «کارمند» (اسم)، بهتر دیدیم روی وندها یا بهتر است بگوئیم پسوندهای فعال زبان فارسی کار کنیم، از فرهنگ فارسی زانسو خسروکشانی ۱۳۷۲ استفاده کرده و حدود ۳۰ گروه واژه که پسوندهای مشابه داشتند استخراج کردیم (و بنابراین داده‌های بدست آمده از فرهنگ معاصر فارسی را کنار گذاشتیم) و بعد با استفاده از فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۲) به تعیین مقوله‌های تک تک این واژه‌ها پرداختیم.

در ۱۳ گروه از این واژه‌ها مقوله‌ها متفاوت بودند (صفت و اسم). به بررسی علت این تفاوت که علیرغم پسوندهای مشابه، بین واژه‌های هر گروه وجود داشت پرداختیم، در این قسمت با استفاده از دو فرهنگ فارسی صبا (۱۳۷۱) و فرهنگ فارسی عمید (۱۳۶۳) به مقایسه مقوله واژه‌های مورد بررسی، در حال حاضر و ۱۵ تا ۲۰ سال قبل نیز پرداختیم و به نتایج جالبی نیز رسیدیم که در متن ذکر شده‌اند.

در مورد اسم‌ها و صفت‌های مرکب بن ساختی نیز دقیقاً همان کاری را انجام دادیم که در مورد مشتق‌ها انجام داده بودیم یعنی داده‌هایی را که از فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۲) استخراج نموده بودیم کنار گذاشته و از فرهنگ فارسی زانسو تالیف خسرو کشانی برای استخراج واژه‌هایی که با بن فعل‌های مشابه ترکیب شده بودند استفاده کردیم و سپس بقیه مراحل را که در بخش مشتق‌ها ذکر شدند، طی کردیم. کار تطبیقی‌ای که در بخش مشتق‌ها انجام شده بود در این بخش نیز انجام شد و در این بخش نیز به نتایج جالبی دست یافتیم که در متن ذکر شده‌اند.

در گروه اسم‌ها و صفت‌های مرکب غیر بن ساختی واژه‌ها از نظر ساخت واژه بررسی و دسته بندی شده‌اند. به عنوان مثال: واژه‌هایی را که از ساخت (اسم + اسم) به دست آمده بودند در یک گروه قرار داده شدند. سپس در این گروه اسم‌ها و صفت‌ها نیز از هم جدا و تعداد آنها مشخص شد. اما در صفت‌ها یا اسم‌های موجود در گروه‌های بدست آمده، ویژگی‌های نحوی خاصی مشاهده نشد که این دو گروه (اسم‌ها و صفت‌ها) را از هم متمایز کند و با رجوع به آنها بتوان گفت که واژه‌های با ساخت واژه مثلاً (اسم + اسم) و این یا آن ویژگی، اسم هستند و واژه‌های دیگر با همین ساخت واژه و ویژگی‌های خاص دیگر، صفتند ولی متأسفانه در هیچ یک از گروه‌های مذکور اسم‌ها و صفت‌ها به هیچ شکل سازمان یافته‌ای از نظر نحوی قابل تفکیک نبودند و علیرغم صرف وقت و سعی بسیار در این قسمت به نتیجه خاصی نرسیدیم. تفاوت مقوله دستوری این واژه‌ها (که از نظر ساخت صوری مشابهند) فقط از نظر معنایی قابل توجه بود که در مورد آن در متن توضیح داده شده است.

#### ۱-۵-۴- محدوده تحقیق

این پژوهش در حوزه صرف زبان فارسی، درباره تغییر مقوله از صفت به اسم، انجام می‌شود و اسم‌ها و صفت‌های استخراج شده از نیمه اول فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۸۲) تالیف غلامحسین صدری افشار و دیگران، و فرهنگ فارسی زانسو تالیف خسرو کشانی، را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

#### ۱-۵-۵- مفاهیم بنیادی و تعاریف

صرف:

صرف، علم مطالعه ساختار درونی کلمات است.

تغییر مقوله (اشتقاق صفر، انتقال یا ابدال):

تغییر مقوله نوعی فرایند واژه سازی اشتقاقی است که طی آن یک کلمه بدون هیچ تغییر ظاهری از یک طبقه یا مقوله دستوری وارد طبقه یا مقوله دستوری دیگر می‌شود.

### واژه ی بسیط :

واژه‌های بسیط واژه‌هایی هستند که تنها از یک تکواژ تشکیل شده اند. این نوع واژه ها در واقع همان تکواژهای آزاد هستند که به عناصر معنادار کوچکتری قابل تجزیه نیستند (۱-۱۵) مانند: « کتاب ، او ، شاد ، ذیر ، فروش ، چهار ، با ، که ، وای و... »

### واژه ی مشتق :

واژه‌های مشتق از یک یا چند وند و یک تکواژ آزاد تشکیل شده‌اند. (۱-۱۶) مانند: « کاریکاتورست، کارگر، خواستگار، غمگین، اخمو و... »

### واژه ی مرکب :

یک واژه مرکب از ترکیب دو و یا گاهی بیشتر از دو تکواژ آزاد تشکیل می‌شود، (۱-۱۷) مانند: « گرمخانه ، هنر پرور ، خوش قد و قامت ». (واژه‌های مرکب به دو نوع بن‌ساختی و غیر بن‌ساختی تقسیم می‌شوند.) در صورتیکه در ترکیب یک واژ مرکب بن‌فعل (خال یا گذشته) نیز استفاده شود، واژه مذکور یک واژه مرکب بن‌ساختی است. (۱-۱۸) مانند: « هنرپرور ، کاروانسرا ، ناخنگیر ، دروغگو ، فالین ». واژه‌های مرکب غیر بن‌ساختی نیز واژه‌هایی هستند که در ترکیب آنها بن‌فعل بکار نرفته باشد. (۱-۱۹) مانند: گرمخانه ، پر شر و- شور، بر باد رفته ، بدقلب ، آدم‌بزرگ

### واژه ی دو مقوله ای :

واژه ی دو مقوله ای واژه ای است که همزمان به دو مقوله ی واژگانی تعلق داشته باشد. مانند: واژه ی « پرنده » که همزمان به دو مقوله ی صفت و اسم تعلق دارد .

### ۱-۵-۶- ساختار پایان نامه

در فصل دوم این پایان نامه مروری خواهیم داشت بر پیشینه ی پژوهش. در فصل سوم مباحث نظری مربوط به تغییر مقوله از قبیل صرف ، تصریف ، ترکیب ، اشتقاق ، تکواژ های وابسته ، انواع وند ها ، تغییر مقوله ، انواع و جهت آن مطرح می شوند. در فصل چهارم نیز به ترتیب داده های مربوط به اسم ها و صفت های بسیط ، مشتق ، مرکب بن ساختی و مرکب غیر بن ساختی مورد تحلیل قرار گرفته اند که نتیجه ی آن در پایان هر قسمت در جمع بند ذکر شده است در فصل پنجم نیز نتیجه پایان نامه ارائه خواهد شد .

فصل دوم:

مروری بر پیشینه‌ی

پژوهش

## ۲-۱- مروری بر پیشینه ی پژوهش

در زبان فارسی تنها کاری که درباره تغییر مقوله انجام شده مقاله «تغییر مقوله در زبان فارسی» است [۷]. در این مقاله درباره دو نوع تغییر مقوله تاریخی (مرده) و زایا (فعال) و تبدیل‌هایی که از رهگذر این دو نوع تغییر مقوله انجام می‌شود بحث شده است به نظر طباطبائی در زبان فارسی واژه‌ها، از رهگذر فرایندهای زیر، به بیش از یک مقوله دستوری تعلق می‌یابند.

۱) گروهی از واژه‌ها در گذر زمان، علاوه بر مقوله اصلی، نقش یک مقوله دیگر را نیز ایفا کرده‌اند و رفته رفته دو مقوله‌ای شده‌اند، همان‌طور که برخی واژه‌ها دو معنی پیدا می‌کنند، مانند ستاک‌های حال «فروش و آویز و آشوب» که در نقش اسم نیز به کار می‌روند. این فرایند که غیر فعال است، تغییر مقوله تاریخی نامیده می‌شود. به نظر طباطبائی از طریق این نوع تغییر مقوله تبدیل‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف: ستاک حال به اسم: (۳-۱) مثال: فروش، گذر. ب: ستاک گذشته به اسم: (۴-۱) مانند: خرید، پخت. ج: اسم به صفت مانند «تکمیل» در دو جمله مقابل: (۵-۱) پس از تکمیل (اسم) فرم‌ها مدارک را ارائه دهید. (۶-۱) ظرفیت تکمیل (صفت) است. ۲) به نظر طباطبائی گروه دیگری از واژه‌ها نیز از رهگذر فرایندی که هنوز فعال است و ممکن است واژه‌های جدیدی را شامل شود، علاوه بر نقش اولیه، در نقش دستوری دیگری نیز به کار می‌روند، مانند بسیاری از صفت‌ها که می‌توانند نقش اسم را نیز ایفا کنند. مثلاً واژه «هنرمند» در جمله (الف) صفت است و در جمله (ب) اسم [۷].

الف) هنرمندتر از او آدمی پیدا نکردی؟

ب) اینک با چند هنرمند جوان آشنا می‌شویم.

طباطبائی این فرایند را تغییر مقوله زایا می‌نامد.

به نظر طباطبائی از رهگذر فرایند تغییر مقوله که در زبان فارسی بسیار زایاست تبدیل‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف: صفت به اسم: (۸-۱) مثال: (صفت): عاقل‌تر از او کسی نیست (اسم): عاقلان دانند

ب: صفت به قید: (۹-۱) مثال: (صفت): راه‌خانه ما مستقیم است (قید): مستقیم برو.

ج: اسم به فعل: (۱۰-۱) مثال: (اسم): طلب (فعل): می‌طلبم

د: صفت به فعل: (۱۱-۱) مثال: (صفت): خشک (فعل): می‌خشکد

یکی از این تبدیل‌ها صفت به اسم است که طبق این مقاله در زبان فارسی بسیار زایاست و شمار زیادی از صفتها را دربر می‌گیرد. در این مقاله گفته شده است هر صفتی که با توجه به مشخصه‌های معنایی آن، موصوفش مشخص باشد می‌تواند به عنوان اسم نیز استفاده شود و این چیزی است که در پژوهش حاضر نیز به آن اشاره شده است.

در این مقاله سه معیار برای تشخیص و تعیین مقوله اصلی واژه‌ها ارائه شده است، که عبارتند از ۱- آن مقوله‌ای که عناصر معنایی کمتری دارد مقوله اولین یا اصلی و آنکه عناصر معنایی بیشتری دارد مقوله دومین است به همین قیاس گفته شده که در فارسی «هنرمند» در اصل صفت است زیرا این واژه در مقام صفت به معنی «دارنده هنر» و در مقام اسم به معنی «شخص دارنده هنر» است. ۲- مقوله‌ای که تاریخ طولانی‌تری دارد مقوله اصلی است (معیار تاریخی). ۳- معیار سوم پسوند اشتقاقی «-ی» است با این پسوند اسم‌ها به صفت و صفتها به اسم تبدیل می‌شوند. پس واژه «هنرمند» (که اکنون دو مقوله‌ای به شمار می‌آید) در اصل صفت است چون اگر اسم بود باید مثل اسم‌های دیگر در اجتماع با این پسوند به صفت تبدیل می‌شد.

(۱-۲) مثال: هنرمند + ی: هنرمندی (اسم)

در مورد آثار خارجی باید گفت در بیشتر کتابهای زبان‌شناسی و تقریباً در همه کتابهای صرف از تغییر مقوله صحبت شده البته نه منحصرأ از تغییر مقوله از صفت به اسم. کیت براون در دایره‌المعارف زبان و زبان‌شناسی [۹] به معیار تاریخی که در زیر ذکر شد برای تشخیص مقوله اصلی واژه‌ها اشاره کرده است، او در همان کتاب (ص ۱۷۳) از تغییر مقوله کامل<sup>۱</sup> و جزئی<sup>۲</sup> سخن گفته است

به نظر براون تغییر مقوله کامل هنگامی اتفاق می افتد که یک واژه پس از تغییر مقوله، مثلاً به اسم، وندهای تصریفی جدیدی را که مخصوص مقوله جدیدش است دریافت می کند.

(۲-۲) مثال: زیارویان بی مثال

در این عبارت «زیارو» دیگر صفتی نیست که اسمی را توصیف کرده باشد، بلکه در جایگاه یک اسم قرار گرفته، پسوند جمع «-ان» نیز به آن افزوده شده و توسط یک صفت نیز وصف شده و به این ترتیب به اسم تغییر مقوله کامل داده است. به نظر او در مقابل تغییر مقوله کامل، تغییر مقوله ناقص وجود دارد و آن هنگامی است که یک واژه پس از تغییر مقوله قابلیت دریافت هیچ نوع وند تصریفی که مخصوص مقوله جدیدش باشد را نداشته باشد. کیت براون (همان: ۱۷۳) به این نکته نیز اشاره کرده است که یکی از ملزومات فرایند تغییر مقوله این است که پس از تغییر معنی و متعاقب آن، تغییر مقوله، هیچ تغییر صوری<sup>۱</sup> در واژه ایجاد نشود ولی این اصطلاح (تغییر مقوله) به موارد دیگری که پس از تغییر مقوله تغییرات جزئی در شکل صوریشان ایجاد می شود نیز تعمیم داده می شود. که البته این تغییرات از نوع وند افزائی نیستند. این تغییرات می توانند از نوع تغییر در آرایش واجی یا تکیه واژه باشد.

(۳-۲) مثال: تغییر واژه انگلیسی refuse از اسم به فعل / refuse /rɪ'fju:z/ to : to refuse /refju:z/ ۱)

و تغییر Thief از اسم به فعل Thief /θi:f/ to: to Thief /θi:v/ ۲)

لیبر نیز در کتاب تجزیه صرف<sup>۱</sup> [۱۴] به معیار معنائی که در بالا برای تشخیص مقوله اصلی واژه‌ها ذکر شد، اشاره کرده است. اسپنسر نیز در کتاب نظریه صرفی<sup>۲</sup> [۱۳] گفته است که تغییر مقوله نوعی وند افزائی است که اشتقاق صفر نیز نامیده می شود چون وند افزوده شده در آن تجلی آوایی ندارد.

ماکبل (۱۹۷۸) فرایند تغییر مقوله را اشتقاق درونی می نامد. دیوید کریستال (۱۹۹۷) هم به دو نوع تغییر مقوله ی کامل و ناقص قائل می شود و نوع دوم را نوعی تغییر مقوله می داند که در آن تنها بعضی از ویژگیهای مقوله ی جدید به واژه تغییر یافته منتقل می شود. در کتاب «زبان شناسی» تالیف آکماجیان، دمرز، فارمر و هارنیش آمده است که گاهی اسم های خاص هم تغییر مقوله می دهند. این تغییر مقوله می تواند از اسم به فعل باشد: مؤلفان مذکور به اسم «Mc Millan» اشاره می کنند که به فعل تغییر مقوله می دهد و در مقام فعل به معنای تخریب شخصیت افراد از روی حسادت می باشد. نگارنده این پژوهش در سایت گوگل [۲۸] بز چنین نمونه ای را یافته است که طبق آن، برخی انگلیسی زبانان اسم خاص «Ralph» را به فعل «to ralph» تبدیل می کنند که به معنی «قی کردن» به کار می رود. در توضیح این مثال آمده است که احتمالاً «Ralph» نام کسی بوده که عمل بیان شده در فعل جدید (to ralph) را به تکرار انجام می داده است.

پروفسور ولفگانگ یو در سلسله مقاله ی «ابدال در مقابل تغییر معنی و کاهش» (۲۰۰۲) به این نکته اشاره میکند که تغییر مقوله فرایند ای است غیر نمادین، از این رو است که زایایی آن به طور کل کمتر از دیگر فرایندهاست و در روند اکتساب زبان اول نیز نسبتاً دیرتر از دیگر فرایندهای زبانی ظهور می کند.

پروفسور دیتر کاستوفسکی در مقاله ی «ابدال و/ یا اشتقاق صفر» (۲۰۰۲) می گوید فرایند تغییر مقوله گاه یک فرایند نحوی و گاهی نیز یک فرایند واژگانی اشتقاقی است. او برای تغییر مقوله به عنوان یک فرایند نحوی، تبدیل صفت «rich» به اسم «the rich»، و برای تغییر مقوله به عنوان یک فرایند واژگانی اشتقاقی تبدیل صفت «clean» به فعل «to clean»، را مثال می زند.

پروفسور لوری بور در مقاله «ابدال و مفهوم مقوله ی واژگانی» (۲۰۰۲) به این نکته اشاره میکند که تغییر مقوله ی واژگانی میتواند به چند روش صورت بگیرد: یکی این که همه ی ویژگی های دو مقوله ی واژگانی میتوانند هم زمان در یک واژه وجود



داشته باشند ، دیگر اینکه برخی از ویژگی های مقوله ی جدید ممکن است در واژه ی تغییر یافته وجود نداشته باشد که این همان تغییر مقوله ی کامل در مقابل ناقص است که در سطور قبل به آن اشاره شد .

دکتر سالوادور والرا در مقاله ی « ابدال در مقابل عضویت در چند طبقه ی واژگانی » ( ۲۰۰۲ ) ، به این نکته اشاره میکند که ابدال یا تغییر مقوله یک فرایند ادراکی - معنایی است نه یک فرایند نحوی .

فصل سوم:

مباحث نظری

### ۳-۱- صرف

صرف عبارت است از مطالعه ساختار درونی کلمات: یعنی مطالعه شکل‌های دستوری‌ای که یک واژه می‌تواند بگیرد [۱۱]. برای مثال مطالعه ساختار درونی واژه‌ای مثل «گل + ها: گله‌ها» در این بخش از علم صرف انجام می‌شود، بخش عمده دیگری که در علم صرف به آن پرداخته می‌شود واژه‌سازی، چه از طریق اشتقاق (خوب + ی: خوبی) و چه از طریق ترکیب (کتاب + خانه: کتابخانه) است.

یکی از مسائلی که بخش عمده‌ای از علم صرف را به خود اختصاص می‌دهد فرایند واژه‌سازی است، فرایندهای واژه‌سازی که در همه زبانها زایا هستند عبارتند از قوانینی که در اثر عملکرد آنها واحدهای واژی (تکواژها، واژه‌ها و وندها) با هم ترکیب می‌شوند تا واژه‌های پیچیده جدید به وجود آیند. [۱۰]. همانطور که در بالا گفته شد سه راه عمده برای واژه‌سازی وجود دارد: تصریف، ترکیب و اشتقاق. البته همه فرایندهای واژه‌سازی در همه زبانها به یک اندازه زایا نیستند، به عبارتی، در هر زبانی فرایند یا فرایندهای خاصی زایاترند، به عنوان مثال فرایند ترکیب در زبانهای مثل انگلیسی و آلمانی بسیار زایاست [۲۱].

### ۳-۲- تصریف

تصریف، فرایند افزایش وند به یک واژه، برای نشان دادن نقش دستوری آن واژه است، وندهای تصریفی مقوله کلمات را تغییر نمی‌دهند و بعد از وندهای اشتقاقی به واژه اضافه می‌شوند [۱۰]: به عنوان مثال در واژه «آلاینده‌ها» می‌بینیم که ابتدا وند «اشتقاقی - نده» و سپس وند تصریفی «-ها» به «آلای» اضافه شده است.

### ۳-۳- ترکیب

ترکیب، یکی از فرایندهای عمده ساخت واژه است و عبارتست از به هم پیوستن دو (و گاهی بیش از دو) تکواژ آزاد برای تسکیل یک واژه مرکب مانند گرمخانه، هنرپرور، خوش منظر. ترکیب از فرایندهای تکرار پذیر است و یک واژه ترکیبی ممکن است از چندین تکواژ ساخته شده باشد.

(۳-۱) مانند: از خود بی خود شدگی: از + خود + بی + خود + شد (= -ه) + -گی

بادنجاندوز قاب چینی: بادنجان + دور + قاب + چین + -ی

کارنا آزمودگی: کار + نا + - + آزمود (= -ه) + -گی

اهمیت ترکیب در این است که با استفاده از آن واژه‌هایی ساخته می‌شود که معنایی ترکیبی دارند به این معنی که، با توجه به ساختمان و معنی اجزای تشکیل دهنده‌شان، می‌توان به مقوله دستوری و معنایشان پی برد. در زبان فارسی، در حدود ۶۰ فرایند ترکیبی وجود دارد این فرایندها از نظر میزان زایائی هم‌ردیف نیستند. برخی از آنها منشا صدها واژه متداول‌اند، حال آنکه از برخی دیگر فقط چند واژه‌ای پدید آمده است [۶].

### ۳-۱- اهمیت ترکیب

از آنجا که در ترکیب حداقل دو واژه به هم می‌پیوندند و یک واژه مرکب می‌سازند و شمار واژه‌های هر زبان بسیار زیاد است، این فرایند زایاترین روش واژه‌سازی است. به بیان دیگر، به رغم آنکه شمار فرایندهای ترکیبی بسیار کمتر از فرایندهای اشتقاقی است، به دلیل کثرت امکانات جانشینی در هر فرایند، زایائی فرایندهای ترکیبی بسیار است [۶]. واژه‌های مرکب را می‌توان به دو گروه (۱) بن‌ساختی و (۲) غیر بن‌ساختی تقسیم کرد.

### ۳-۴- اشتقاق

اشتقاق، یکی از روشهای ساخت واژه‌های ترکیبی ودر واقع افزوده شدن یک یا چند وند (که نوعی تکواژ وابسته هستند) به یک تکواژ آزاد است. (۳-۲) مانند: هنرور، ناراستی، همدردی. اشتقاق از فرایندهای واژه‌سازی تکرار پذیر است و اهمیت آن در این است که با استفاده از آن، واژه‌هایی ساخته می‌شوند که با توجه به ساختمان معنی اجزاء تشکیل دهنده‌شان، می‌توان به مقوله دستوری و معنایشان پی برد.

در زبان فارسی در حدود ۱۴۰ فرایند اشتقاقی وجود دارد. البته این فرایندها از نظر میزان زبانی هم ردیف نیستند، برخی از آنها منشا صدها واژه متداولند. برخی دیگر فقط چند واژه‌ای می‌سازند [۶].

### ۳-۴-۱- تکواژهای وابسته

تکواژ وابسته کوچکترین واحد زبانی است که دارای معنا یا نقش دستوری خاصی است اما نه بصورت مستقل، بلکه ضرورتاً همراه با تکواژ آزاد مانند، «-مند»، «-ش» و «-ها» در واژه‌های «هنرمند»، «کتابش»، «آدمها». در فارسی، در حدود ۱۳۰ تکواژ وابسته وجود دارد که به سه گروه تقسیم می‌شوند: پی‌واژه‌ها، وندهای تصریفی، و ندهای اشتقاقی، پی‌واژه‌ها مانند «-م» در «کتابم» و وندهای تصریفی مانند «-تر» در «بزرگتر» نشانگرهای دستوری‌اند و در ساختن واژه‌های جدید به کار نمی‌روند، اما ندهای اشتقاقی در واژه‌سازی کاربرد دارند و در زمره امکانات واژه‌سازی به شمار می‌آیند.

### ۳-۴-۲- وندهای اشتقاقی

اساس صرف اشتقاقی، وندهای اشتقاقی هستند، این وندها، تکواژهای مقیدی هستند که قبل از وندهای تصریفی به واژه اضافه می‌شوند وند اشتقاقی به واژه می‌پیوندد و معنی تازه‌ای به آن می‌دهد و در بسیاری موارد مقوله دستوری آن را نیز عوض می‌کند، مانند «مند» و «-گین» در «دانشمند» و «غمگین». شمار وندهای اشتقاقی در فارسی امروز در حدود ۹۰ است که ۲۲ تا از آنها پیشوند و بقیه پسوندند. البته تعیین شمار وندهای اشتقاقی امری تقریبی است و به تعریف این وند بستگی دارد. اگر شم زبانی عموم فارسی زبانان را در نظر بگیریم، وندهای اشتقاقی را می‌توانیم به سه گروه اصلی تقسیم کنیم [۶].

### ۳-۴-۲-۱- وند زایا

وندی است که برای عامه فارسی زبانان تشخیص دادنی است و در ساختن واژه‌های تازه به کار می‌رود، مانند پسوندهای «-ی» و «-مند» در واژه‌های «خوبی» و «هنرمند».

### ۳-۴-۲-۲- وند نیمه زایا

وندی است که عموم فارسی زبانان آن را تشخیص می‌دهند اما از آن در واژه‌سازی معمولی استفاده نمی‌کنند، مانند پسوندهای «-ار» و «-مان» در «گفتار» و «ساختمان» از این نوع وند عمدتاً در واژه‌سازی عالمانه استفاده می‌شود مانند «ساختار» و

### ۳-۴-۲-۳- وند غیرزایا

وندی است که برای عامه فارسی زبانان تشخیص دادنی نیست، مانند «-آ» در «امرداد». از این نوع وند نیز گاهی در واژه‌سازی عالمانه استفاده می‌شود، چنانکه برخی فیزیکدانان برای «aberration» واژه «ایبراهی» را پیشنهاد کرده‌اند.

شماری پیشوند اشتقاقی نیز در فارسی وجود دارد. تعداد این پیشوندها بسیار کمتر از پسوندهاست و اگر پیشوندهای غیرفعالی را که اخیراً در زبان علم فعال شده‌اند نیز به حساب آوریم. باز هم شمارشان حداکثر به ۱۵ می‌رسد. اگر بر اینها پیشوندهای فعلی را هم بیفزاییم شمارشان به ۲۲ می‌رسد.

وندهای اشتقاقی از نظر تأثیری که بر مقوله دستوری واژه پایه (واژه‌ای که وند به آن افزوده می‌شود) دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند: مقوله گذران، مقوله ناگذران [۷].

### ۳-۴-۲-۴- وند مقوله گذران

وند اشتقاقی است که با افزوده شدن به پایه، مقوله دستوری آن را تغییر می‌دهد. مثلاً اسم را به صفت تبدیل می‌کند.

(۳-۳) مثال: اسم + -مند: صفت. مانند: هنرمند، دانشمند، خردمند

اسم + -ناک: صفت. مانند: خطرناک، طربناک، وحشتناک

### ۳-۴-۲-۵- وند مقوله ناگذران

وند اشتقاقی است که مقوله دستوری پایه را تغییر نمی‌دهد، (۳-۴) مانند اسم + -گاه: آموزشگاه، درمانگاه، پژوهشگاه